



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲۹

ارائه سناریوهای بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد شهری (نمونه موردی: منطقه ۶ شهر مشهد)

زهره کوهجانی (دانشجوی دکتری شهرسازی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران)

koohjanizohre@gmail.com

علی شمس الدینی (دانشیار جغرافیا، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران، نویسنده مسئول)

ali.shamsoddini@iau.ac.ir

علیرضا عبدالله زاده (استادیار شهرسازی، واحد صفاشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، صفاشهر، ایران)

abdolazadeh.a@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۷/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۹

صص ۳۷-۵۹

چکیده

رشد سریع و بی‌رویه شهرنشینی مشکلات زیادی را به همراه داشته است. یکی از مشکلات عمده وجود ساختارهای شهری ناکارآمد است. توسعه بهینه چنین ساختارهایی مستلزم آن است که برنامه ریزان و سیاست‌گذاران با درک دقیق از وضعیت شهر، بهترین رویکردها و مدل‌ها را برای تعیین مسیر توسعه انتخاب کنند. یکی از ابزارهای مناسب، تبیین سناریو مناسب بازآفرینی با استفاده از روش نوین برنامه‌ریزی سناریو در بهسازی این‌گونه بافت هاست. منطقه ۶ مشهد به دلیل وجود بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی با مشکلات و چالش‌هایی در ابعاد مختلف مواجه است. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA و تکنیک دلفی، محرک‌های کلیدی شناسایی شده و با استفاده از روش سناریونگاری و نرم‌افزار MICMAC و Scenario Wizard، سناریوی مطلوب و بحرانی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که عوامل پنج‌گانه به ترتیب ۱- شیوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با امتیاز ۴.۸، ۲- امنیت اجتماعی با امتیاز ۴.۸، ۳- جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری با امتیاز ۴.۵، ۴- مهاجرت اتباع و تعامل و مشارکت‌پذیری ذی‌نفعان (انسجام و همیاری اجتماعی) با امتیاز ۴.۰۸، ۵- راندمان دستگاه‌های نظارتی با امتیاز ۳.۸ و ۶- توسعه بافت ناکارآمد منطقه ۶ با امتیاز ۳.۶ نقش کلیدی و اساسی در بازآفرینی دارند. همچنین بر اساس دو موقعیت متضاد که دارای دو عدم قطعیت بحرانی بودند، ۱- برنامه‌ریزی از پایین به بالا/ مشارکت و همکاری ذی‌نفعان و تأیید سکونت ساکنین اصلی، ۲- رشد قانونی منطقه/

ارتقای امنیت اجتماعی، سناریوهای آینده بازآفرینی بافت ناکارآمد منطقه ۶ تدوین و بر این اساس سناریوی مطلوب شکوفایی منطقه و سناریوی بحرانی آن منطقه دربند ارائه شد.

کلیدواژه ها: آینده پژوهی، بازآفرینی پایدار، بافت ناکارآمد، سناریونویسی، منطقه ۶ شهر مشهد.

۱. مقدمه

صنعتی شدن و رشد شتابان شهرها در دهه های اخیر مشکلات زیادی را دامن زده است؛ با رشد کمی شهرها، تغییر و تحولات کیفی (ایزدفر و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۳۲۷) همه جانبه ای در عرصه و حوزه های مختلف شهری به وقوع پیوسته که مطلوبیت و کیفیت زندگی را نیز دگرگون کرده است. علی رغم آنکه این تغییرات و دگرگونی ها مزایای زیادی را عائد شهرنشینان کرده لیکن محلات و بافت های شهری را با چالش و مسأله مواجه کرده است. یکی از این مسائل، بافت های ناکارآمد و فرسوده شهری است که به مرور زمان و به دلیل آنکه نتوانسته اند خود را با توسعه شهر همراه کنند دچار افول و فرسودگی در بعد عملکردی و کالبدی شده اند (جعفری جبلی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۲۰؛ مباحثی، ۱۴۰۱، ص. ۱۹۱؛ پوراحمد، ۱۳۸۹، ص. ۷۵؛ معروف نژاد، ۱۴۰۰، ص. ۳۲۴؛ تیرزو^۱، ۲۰۲۰، ص. ۲۳۶).

بافت های ناکارآمد و فرسوده پدیده ای است که به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی (ایمان پور و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۳۶۴) از جمله عوامل تهدید کننده کیفیت زندگی و به عنوان یکی از ابرچالش های نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری به حساب می آید (حجازی نیا و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۳۶۳). این پدیده یکی از مهم ترین عوامل تهدید کننده حضور مردم در فضاهای عمومی، ترس یا احساس ناامنی، ناامنی مکان ها و فضاهای عمومی است و نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه های زیادی را بر جامعه تحمیل می نماید (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۵۸). شهر یک نظام پویا است که تحت تأثیر روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و جغرافیایی قرار دارد. در حال حاضر توجه و توسعه و پایداری و ارتقای محیط زندگی در هر شهر، از الزامات مدیریت پایدار و پویای آن می باشد. اهمیت تعادل در ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهر در حال و آینده رهنمودی برای پایداری شهر است.

ضعف های رویکرد سنتی برنامه ریزی شهری از جمله ناتوانی در مواجهه با پیچیدگی و نامعلومی تغییرات، و اجرای اقدامات به صورت پراکنده و مقطعی در کشور، محدودیت های پیش بینی به مثابه اصلی ترین ابزارهای حمایتی برنامه ریزان و تصمیم گیران شهری، تأکید اصلی بر شکل فضایی و نبود مشارکت و همکاری مؤثر بین ذینفعان و بی توجهی به آینده، برنامه ریزان و مدیران شهری را به سمت کاربرد ابزارهای جدید و توجه به مبحث آینده نگری و بازآفرینی سوق داده است (راکلیف و کراوچیک، ۲۰۱۱^۲، ص. ۶۴۳؛ ایمان پور و همکاران،

1. Tirziu

2. Rarcliffe & Krawczyk

۱۴۰۱، ص. ۱۷۵، سجادی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲۸). عدم توجه به تعادل در ساختار شهرها در گذشته نه چندان دور، سبب دوگانگی در بافت شهری شده است. از آنجایی که گستردگی روزافزون بافت‌های فرسوده شهرها یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کشورهای در حال توسعه است (امینی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۴). این مهم موجب شد که در ادبیات نوین طراحی و برنامه‌ریزی شهری، بر اهمیت احیاء و بازشناسی این‌گونه بافت‌ها تأکید شده (فصیحی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۵۴) و رهیافت بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری به دلیل مشکلات و اثرات منفی‌ای که بر توسعه شهر گذاشته؛ مورد توجه قرار گیرد. این رویکرد تنها به دنبال باززنده سازی مناطق متروکه نیست، بلکه با مباحث گسترده‌تری همچون اقتصاد رقابتی و کیفیت زندگی به‌خصوص کسانی که در محلات فقیرنشین زندگی می‌کنند، سروکار دارد و مشتمل بر فرموله کردن اهداف سیاسی، اجرای آن از طریق برنامه‌های اجرایی است (رضایی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۱۲۹). کشور ایران نیز از این تغییرات و رشد و گسترش شهرنشینی مستثنی نبوده و با چالش وجود بافت‌های ناکارآمد شهری مواجه است (رسول نازی و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۱۳۲؛ حسینی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۹۵۷). در حال حاضر در کشور ایران بیش از ۴۰ هزار هکتار بافت فرسوده شهری وجود دارد که در حدود ۸ میلیون نفر در این بافت‌ها زندگی می‌کنند (ایمان‌پور و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۵۸) و با توجه به مشکلات متعدد برای چنین بافت‌هایی، این مسأله منجر به تهدید انسانی، اجتماعی و اقتصادی برای شهرها و کلانشهرها شده است (هونگجی ژی^۱، ۲۰۱۷، ص. ۵). مهم‌ترین علل شکل‌گیری بافت‌های فرسوده در شهرهای ایران، تمرکز سرمایه، قدرت و امکانات در شهرهای بزرگ، ناکارآمدی نظام برنامه‌ریزی در ایران، عدم توجه به عدالت فضایی و گسترش ناهمگون منطقه‌ای، افزایش قیمت زمین و عدم توجه به برنامه‌ریزی مشارکتی عنوان شده است (ایمان‌پور و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۷۹). مطلوبیت فضایی بافت‌های فرسوده شهری معلول عوامل مختلفی است که تحت عاملیت کنشگران متفاوت مربوط به فرایند بهسازی و نوسازی و در بستر شرایط مکانی - زمانی موجودیت می‌یابد (معروف نژاد، ۱۴۰۰، ص. ۳۲۴). لکن با در نظر گرفتن این امر که تنها راه حل خروج از بسیاری معضلات کلانشهرها احیا و بازسازی بهینه بافت‌های فرسوده شهری است. می‌توان این مسأله را فرصتی ارزشمند نیز قلمداد کرد، فرصتی که در صورت اعمال سیاست‌های صحیح شهری و مدیریت بازآفرینی مناسب می‌توان تحولی اساسی در جهت توسعه پایدار در پی داشته باشد (امینی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۵).

بود و پوستما^۲ (۲۰۱۹)، اهمیت نقش سناریو در فرایند بازآفرینی شهری را بیان می‌کنند. آنان اعلام می‌دارند که معمولاً یک سناریو بعضی از حالت‌های آینده ممکن محیط را نمایش می‌دهد و بیشتر شامل سلسله مراتب پویا از وضعیت‌ها و تغییرات که برای دسترسی به کیفیت مطلوب محیط لازم است، می‌شود.

1. Hongjie

2. Boud & Pustma

جورج کرنز^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، با ترکیب سناریونویسی و تحلیل دلفی، سناریوهای طبقه‌بندی‌شده را به‌عنوان رویکرد جدید مطرح نمودند. آنان در پژوهش خود با ارائه سناریوهای انشعابی (تأثیرات کنشگران) سعی در بیان آن داشتند که در فرایندهای بازسازی منطقه‌ای در لحاظ اقتصادی و اجتماعی، حضور ذینفعان کلیدی و تعامل با آنان حائز اهمیت است. ریکادو و سچیاتو^۲ (۲۰۱۲) بیان می‌دارد که عدم قطعیت محیطی – پیچیدگی و پویایی رویکردهای آینده‌نگاری بازآفرینی پایدار می‌باشد. کلا تونویو دیکسیون^۳ (۲۰۱۱) معتقد هستند که بازآفرینی شهری با پایداری اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. این پژوهش سیر تکاملی بازآفرینی شهری را از دوره ۴۰ و ۵۰ میلادی شروع کرده و آنگاه تا مقوله مشارکت اجتماعات محلی پیش می‌رود و تجلی آن را در دهه‌های آغازین قرن حاضر میلادی در مکان‌های پایدار که نقطه ثقل پایداری اجتماعی است، لحاظ می‌نماید و آن را به‌عنوان سناریوی برتر پژوهش خود مطرح می‌کند. بعلاوه پاکرو و ستارزاده (۱۴۰۱)، معتقد هستند که بازآفرینی پایدار شهری به‌صورت مشارکتی با چالش‌های زیادی روبه‌رو است که می‌توان با استفاده از مؤلفه‌های نهادی مشارکت شهروندی مؤثر در بازآفرینی شهری، تغییر نگاه مسئولان به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ایجاد و تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری و رفع موانع حقوقی مرتبط با سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت شهروندان در طرح‌های بازآفرینی شهری را افزایش داد و گامی در جهت رفع این چالش‌ها برداشت. ابراهیم نژاد و همکاران (۱۴۰۰) نیز بیان می‌دارند که پروژه‌های محرک توسعه به‌عنوان بستر کارکردهای اجتماعی و اقتصادی، منزلت اجتماعی-اقتصادی در این بافت‌ها را ارتقاء داده و انگیزه مشارکت در فرآیند بهسازی و نوسازی را در جامعه محلی افزایش داده و همچنین سبب ایجاد تمایل در بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بافت می‌شود.

بافت‌های ناکارآمد در محله‌های هدف بازآفرینی به‌عنوان کوچک‌ترین سلول و مهم‌ترین عامل درتدوام حیات شهری، نقش بسیار مهمی را در آینده شهری به همراه دارند (ایزدفر و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۶). بنابراین رویکرد بازآفرینی شهری، یکی از جدیدترین رویکردهای پذیرفته‌شده جهانی در مواجهه با بافت‌های فرسوده شهری است. بازآفرینی شهری، به‌عنوان یکی از راهکارهای مداخله برای بهبود عواقب منفی زوال شهری (گودت^۴، ۲۰۰۰؛ کرکماز و بالابان^۵، ۲۰۲۰، ۱) و در راستای حل مشکلات این گونه بافت‌ها و نیز بیان‌کننده شیوه مداخله در بافت‌های موجود و محیط ساخته‌شده شهری است و اهمیت آن در نمایان ساختن نگاه برنامه‌ریزان و شهرسازان به حیات مطلوب شهری و تقابل این شیوه زندگی با شیوه زندگی در برخی

1. George Cairns

2. Riccardo Vecchiato

3. Colantonio & Dixon

4. Godet

5. Korkmaz & Balaban

بافت‌ها و نواحی شهر است (فدایی و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۲؛ صفایی پور و زارعی، ۱۳۹۶، ص. ۵؛ امیری و همکاران، ۱۴۰۰، ص. ۷۳؛ زگراس و ریل^۱، ۲۰۲۰، ص. ۳۰۳).

در عرصه برنامه‌ریزی شهری، پرداختن به آینده و برنامه‌ریزی آن، جزء جدانشدنی فرایند برنامه‌ریزی است. شناخت و درک هرچه بیشتر آینده و ناشناخته‌هایی که فراروی جوامع بشری قرار دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. این شناخت به برنامه‌ریزان کمک می‌نماید تا در عرصه‌های مختلف با اطمینان خاطر برنامه‌ریزی نمایند. به‌کارگیری رویکردهای آینده‌نگاری و سناریونویسی در احیاء بافت فرسوده، لزوم توجه به مقوله برنامه‌ریزی سناریو را امری ضروری جلوه می‌دهد (زالی و بهشتی، ۱۳۹۰، ص. ۴۳؛ مرادی پور و نوروزیان، ۱۳۸۴، ص. ۴۵؛ رهنما و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۶۴).

برنامه‌ریزی سناریو یک روش منظم برای تصور کردن آینده‌های ممکن است. سناریونگاری روش بسیار مؤثر و مفیدی برای برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت در شرایط با عدم قطعیت است. هدف اصلی سناریو بالا بردن کارایی و کیفیت برنامه‌ریزی‌ها در شرایط عدم اطمینان در آینده و نیز اتخاذ تصمیم‌هایی استراتژیک است که برای همه آینده‌های ممکن به‌اندازه کافی خردمند و پابرجا باشند. اگر هنگام تدوین سناریو تفکر جدی صورت بگیرید، آنگاه اصلاً مهم نیست که در آینده چه اتفاقی قرار است روی دهد، زیرا دولت، شرکت یا سازمان، در مقابل هر اتفاقی آماده است و می‌تواند بر مسیر اتفاقات آینده تأثیرگذار باشد (رهنما و معروفی، ۱۳۹۴، ص. ۵۶؛ رهنما و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۶۴).

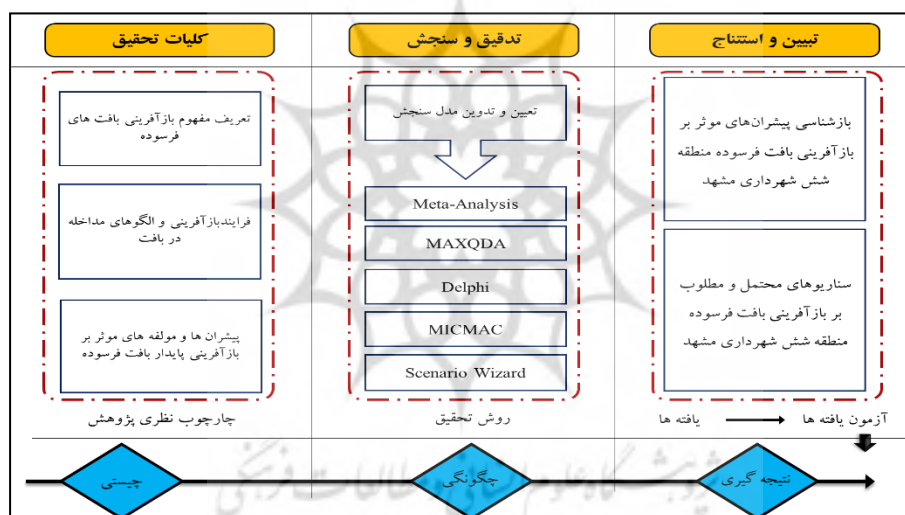
منطقه شش واقع در جنوب شرقی شهر مشهد، به دلیل توسعه‌ی بی‌برنامه شهر، اکنون به‌مثابه بافتی ارگانیک، فرسوده و بسیار متراکم است که در تعارض با حوزه‌های همجوار خود از منظر خصوصیات کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و... است و نیز یکی از محدوده‌های بزرگ حاشیه‌نشین مشهد با مساحت ۱۸۶۹ هکتار و جمعیتی در حدود ۲۳۲ هزار و ۶۱۶ نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) می‌باشد. مساحت پهنه بافت فرسوده این منطقه ۴۲۱ هکتار و جمعیت پهنه بافت فرسوده این منطقه ۱۲۵۵۰۲ نفر می‌باشد. در این منطقه علی‌رغم جمعیت بالای ساکن در آن، متأسفانه بخشی از این منطقه به‌ویژه جنوب و غرب آن توسعه و گسترش بی‌رویه و بی‌برنامه داشته و موجب شده وضعیت نامناسبی نسبت به سایر مناطق کلانشهر مشهد داشته باشد. بنابراین بروز مشکلاتی چون ناسازگاری فرم و عملکرد، توزیع نامتناسب خدمات و امکانات شهری، شبکه ارتباطی نامناسب (معابر کم‌عرض)، مصالح نامناسب، وجود فضاهای رهاشده شهری، وجود آلودگی‌های زیست‌محیطی، عدم تعلق به مکان مورد زندگی و... در این منطقه موجب ترک ساکنین اصیل و سکونت مهاجرین بی‌هویت (چلوها)، اتباع غیرایرانی و غیره شده است. بدین منظور پژوهش حاضر جهت پاسخ به این پرسش انجام گرفته است که "مهم‌ترین پیشران‌های مؤثر و کلیدی بر بازآفرینی بافت فرسوده منطقه شش شهرداری مشهد کدام‌اند؟ و سناریوهای مطلوب و بحرانی بر بازآفرینی محدوده مورد مطالعه چه می‌باشد؟"

1. Zegras & Rayle

۲. روش شناسی

۲.۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر برحسب هدف از نوع پژوهش کاربردی است. از نظر ماهیت، براساس روش‌های جدید علم آینده‌پژوهی، تحلیلی و اکتشافی است که با به‌کارگیری ترکیبی از مدل‌های کمی و کیفی (روش آمیخته) انجام گرفته است. که در این صورت ابتدا با مطالعه و بررسی اسناد کتابخانه‌ای، مقالات و کتب مرتبط با موضوع، پیشران‌ها و عوامل مؤثر بر بازآفرینی بافت با استفاده از روش Meta-Analysis و نرم‌افزار MAXQDA شناسایی و دسته‌بندی شده و با بهره‌گیری از روش دلفی و به‌صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی به تعداد ۲۰ نفر از میان کارشناس خبره و متخصص و همچنین متخصصان دانشگاهی فعال در حوزه بازآفرینی جهت نظرخواهی و به‌منظور تدوین، تفسیر و توسعه سناریو و استخراج منطق سناریو از نرم‌افزار MICMAC و Scenario Wizard بهره گرفته شده است.



شکل ۱. نقشه راه و فرآیند مطالعات - ساختار محتوایی پژوهش

۲.۲. محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر، منطقه شش کلانشهر مشهد مقدس می‌باشد. منطقه ۶ واقع در جنوب شرقی شهر مشهد دارای ۳ ناحیه و ۱۵ محله است؛ که به دلیل دارا بودن عناصر با کارکرد شهری و فراشهری نظیر نیروگاه‌های برق (باهر و بلوار سرخس)، میدان بار رضوی، ورودی اصلی شهر مشهد از مرز سرخس و جاده سرخس (جاده ابریشم) و همچنین همجواری با فرودگاه شهید هاشمی نژاد؛ یکی از مناطق مهم شهر مشهد محسوب می‌شود همچنین این منطقه به لحاظ تقسیمات جغرافیایی از شمال با منطقه ۵، از غرب با منطقه ۸ و از جنوب با منطقه ۷ مرز مشترک دارد.

با توجه به تراکم بالای جمعیتی و توسعه و گسترش بدون برنامه بخش جنوبی و غربی این منطقه در مقایسه با سایر مناطق از نظر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی؛ وضعیت نامطلوبی دارد و دارای بافتی ناهمگن از نظر شاخص‌های برنامه‌ریزی می‌باشد. با توجه به پیمایش میدانی و اسناد موجود و همچنین سنجش وضعیت موجود منطقه شش در ابعاد چهارگانه با معضلات جدی روبه‌روست. در ذیل مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی منطقه شش و مؤثر در فرایند بازآفرینی این منطقه به صورت خلاصه مطرح شده است.

جدول ۱. مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی منطقه شش و مؤثر در فرایند بازآفرینی

نظام اجتماعی - فرهنگی	نظام اقتصادی
- وجود ناهنجاری‌های اجتماعی - آمار بالای اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان - تجمع و تردد تعداد زیاد ضایعات جمع‌کن‌ها و زباله‌گردها به دلیل وجود انبارهای ضایعات - نرخ بالای مهاجری‌پذیری و سکونت مهاجرین داخلی (سیستانی و بلوچستان، ترکمن، بیرجندی، تایباد و ...) و خارجی (افغانستانی، پاکستانی، عراقی و ...) و وجود افراد فاقد اسناد هویتی - تنوع قومیتی و تعدد خرده‌فرهنگ‌ها و ایجاد تعارض فرهنگی در زندگی شهروندان (ناهمگونی بافت اجتماعی) - ضعف در احساس مسئولیت و مشارکت ساکنین به دلیل نبود سازوکار نظارت مردمی و پاسخگویی به آن‌ها	- نرخ پایین اشتغال مولد و عزتمند در سطح منطقه - فقدان قدرت ریسک و عدم تمایل به سرمایه‌گذاری از سوی سرمایه‌گذاران بومی - آمار بالای نیروی کار مهاجر به عنوان اشتغال‌کننده تعداد محدود فرصت‌های شغلی - عدم بکارگیری نیروهای بومی در کارگاه‌ها موجود سطح منطقه
نظام کالبدی - فضای / عملکردی / دسترسی	نظام مدیریتی - نهادی
- وجود فرهنگ ساخت‌وسازهای غیرمجاز و غیراصولی - کمبود امکانات تفریحی نسبت به سرانه جمعیتی - حجم بالای ترافیک به دلیل جمعیت بالای منطقه - پایین بودن سطح کمی و کیفی وسایل حمل‌ونقل عمومی (اتوبوس و ون) و ازدحام جمعیت	- عدم وجود هماهنگی بین سازمانی دستگاه‌ها - عدم شفافیت و اطلاع‌رسانی برنامه‌ها و اقدامات پیشرو، در دست اقدام و انجام شده به ساکنین - قولنامه‌ای بودن املاک و واگذاری املاک به افراد فاقد هویتی



شکل ۲. موقعیت منطقه شش در ساختار شهر مشهد

۳. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در این بخش براساس گام‌های برنامه‌ریزی سناریو به روش GBN^۱، انجام شده است. مراحل به شرح ذیل می‌باشد:

گام اول: شناسایی موضوع اصلی

در پژوهش حاضر، محور اصلی، تبیین و ارائه سناریوهای بهینه بازآفرینی بافت فرسوده است که بر مبنای رویکرد سناریونگاری، این موضوع بررسی می‌گردد.

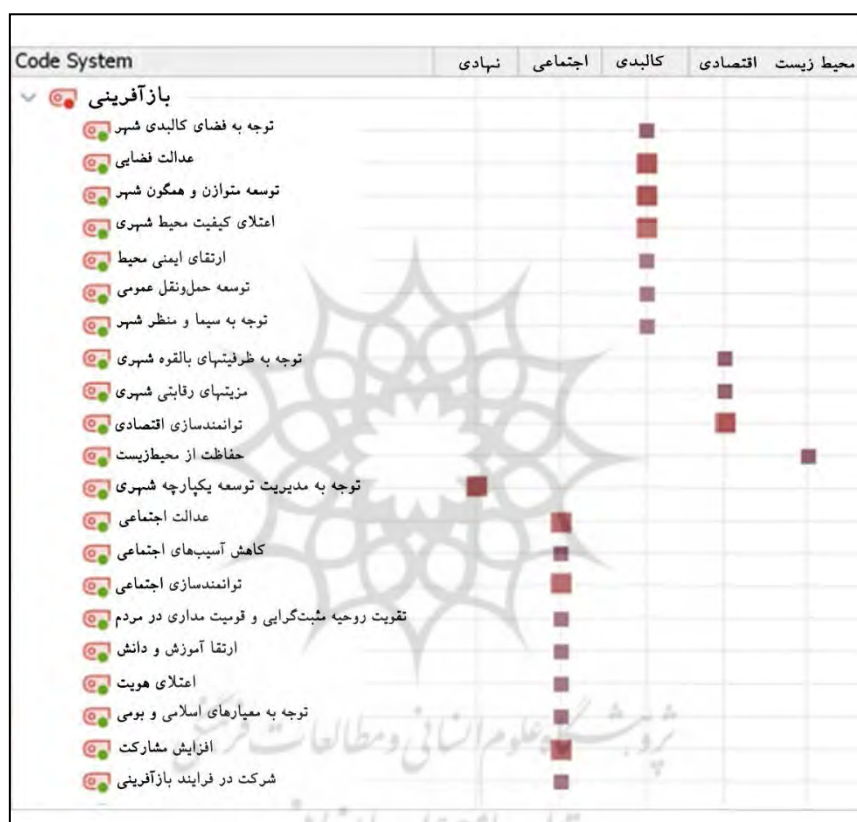
گام دوم: نیروهای کلیدی و پیشرانها

به‌منظور شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر فرایند بازآفرینی شهری با بهره‌گیری از روش متاآنالیز^۲ تعداد ۴۰ مقاله و سند مرتبط مستخرج از پایگاه‌های داده مورد بررسی قرار گرفت. از این میزان تعداد ۳ مقاله به دلیل مشابهت عنوان، ۴ مقاله نیز پس از مطالعه چکیده و عنوان به سبب تکراری بودن و ۳ مقاله دیگر پس از مطالعه کل متن خارج شدند و در نهایت تعداد ۳۰ مقاله نهایی جهت مطالعه انتخاب شدند. پس‌از آن منابع نهایی شده جهت کدگذاری و استخراج عوامل کلیدی وارد نرم‌افزار MAXQDA گردید. کدها و مقوله‌سازی‌های انجام‌شده به‌منظور غربالگری در اختیار اعضای پنل دلفی قرار گرفت و با تطبیق این عوامل با محورهای بازآفرینی پایدار شهری، عوامل کلیدی اثرگذار بر آینده بازآفرینی بافت ناکارآمد منطقه^۶، تعداد ۲۳ عامل به‌عنوان پایه اصلی سناریونویسی بافت ناکارآمد منطقه پژوهش با تأکید بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، شهرسازی، مدیریتی و ... مورد استفاده قرار گرفت. این عوامل عبارت‌اند از موازی کاری نهادهای حاکمیتی، مهاجرت اتباع، نهادهای اجتماعی، راندمان دستگاه‌های نظارتی، فعالیت‌های اقتصادی، انسجام اجتماعی، همیاری اجتماعی، امنیت

^۱. Schwartz

^۲. Meta-Analysis

اجتماعی، مؤلفه‌های نهادی مشارکت شهروندی، ایجاد و تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری، رفع موانع حقوقی مرتبط با سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت شهروندان در طرح‌های بازآفرینی شهری، بحران مالی و اعتباری، تعامل و مشارکت‌پذیری ذی‌نفعان، شیوه مدیریت و برنامه‌ریزی، قوانین و سیاست‌گذاری‌های مالیاتی و مشوق‌ها، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی اجتماعی، توانمندسازی سرمایه‌های انسانی و فکری، توانمندسازی بخش خصوصی، زیرساخت‌های الکترونیکی نوین، ظرفیت‌های محیطی و زیربنایی در منطقه، توسعه بافت ناکارآمد منطقه.



شکل ۳. خروجی بخشی از کدهای کلیدی در محیط نرم‌افزار MAXQDA

در ادامه‌ی این بخش اقدام به شناسایی نیروهای پیشران مؤثر شده است. ۲۳ عامل کلیدی که توسط نخبگان شناسایی شده‌اند در یک ماتریس 23×23 تنظیم شد. برای شناسایی نیروهای پیشران از بین عوامل کلیدی از روش تأثیر متقاطع استفاده شده است. نرم‌افزار MicMac جهت انجام محاسبات سنگین ماتریس اثرات متقاطع طراحی شده است. پس از ورود متغیرها به نرم‌افزار MicMac از نخبگان خواسته شد تا میزان ارتباط میان عوامل را مشخص نمایند. میزان ارتباط با اعداد بین صفر تا سه سنجیده می‌شود؛ عدد صفر = بدون تأثیر؛ عدد یک = تأثیر ضعیف؛ عدد دو = تأثیر متوسط؛ عدد سه = تأثیر قوی؛ P = تأثیر بالقوه.

جدول ۲. میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم عوامل کلیدی با استفاده از نرم افزار MicMac و علائم اختصاری آن

مؤلفه / بعد	عوامل کلیدی	نام اختصاری	تأثیرگذاری	تأثیرپذیری
حوزه اقتصادی	خودسازماندهی اقتصادی (توانمندسازی)	A _۱	۷۶	۷۸
	شیوه مدیریت و برنامه ریزی	A _۲	۸۷	۸۳
	وضعیت مالی و اعتباری	A _۳	۵۲	۴۵
حوزه نهادی - مدیریتی	موازی کاری نهادهای حاکمیتی (تفویض اختیار)	B _۱	۵۵	۶۱
	راندمان دستگاه های نظارتی	B _۲	۴۳	۵۶
	نهادهای اجتماعی	B _۳	۴۵	۶۱
	قوانین و سیاست گذاری های مالیاتی و مشوق ها	B _۴	۶۲	۳۷
	توانمندسازی بخش خصوصی	B _۵	۵۱	۵۰
	زیرساخت های الکترونیکی نوین	B _۶	۴۷	۵۲
حوزه اجتماعی	مهاجرت اتباع	C _۱	۴۵	۶۸
	انسجام اجتماعی	C _۲	۶۳	۴۵
	همیاری اجتماعی	C _۳	۶۱	۵۴
	مؤلفه های نهادی مشارکت شهروندی	C _۴	۵۱	۶۷
	مشارکت شهروندان در طرح های بازآفرینی شهری	C _۵	۵۰	۶۳
	تعامل و مشارکت پذیری ذی نفعان	C _۶	۸۰	۷۸
	توانمندسازی اجتماعی	C _۷	۶۷	۶۹
	ایجاد و تشکیل سازمان های مردم نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری	C _۸	۴۳	۵۵
حوزه کالبدی - زیرساختی	توجه به ظرفیت های محیطی و زیربنایی در منطقه	D _۱	۵۶	۵۸
	توجه به ملاحظات شهرسازی و مسکن	D _۲	۵۷	۵۷
	تجهیز و توزیع مناسب زیرساخت های شهری	D _۳	۶۰	۴۵
	توسعه بافت ناکارآمد منطقه ۶	D _۴	۸۲	۷۹
حوزه حقوقی	رفع موانع حقوقی مرتبط با سازمان های مردم نهاد	E _۱	۵۶	۶۰
مجموع			۱۲۸۹	۱۳۲۱

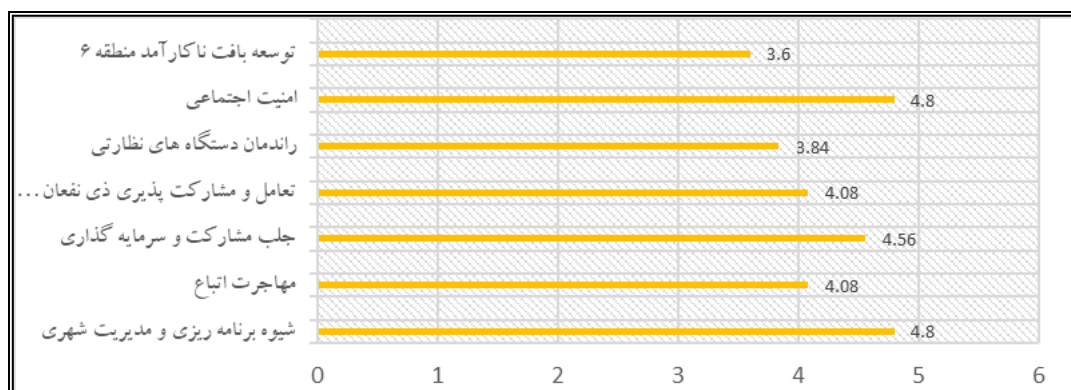
گام سوم: طبقه‌بندی براساس اهمیت و عدم قطعیت نیروهای پیشران

در این گام، میزان اهمیت و عدم قطعیت هر یک از ۲۳ عامل شناسایی شده، در قالب طیف لیکرت از ۱ تا ۵ مورد پرسش قرار گرفت. در انتها، میانگین امتیاز اهمیت و عدم قطعیت هر یک از عوامل محاسبه شد تا عواملی با بالاترین میزان اهمیت و عدم قطعیت انتخاب شوند. بنابراین عوامل براساس میزان اهمیت و عدم قطعیت در ماتریس ۹ تایی نقطه‌یابی شدند؛ که ۷ مورد از آن‌ها دارای بیشترین میزان اثرگذاری (میزان اهمیتشان بیشتر از ۳.۵ و مقدار عدم قطعیت آن‌ها بیشتر از ۳) بوده و به‌عنوان عدم قطعیت‌های بحرانی شناسایی شدند. در این ماتریس محور افقی نشان‌دهنده اهمیت و محور عمودی نشان‌دهنده میزان عدم قطعیت است (جدول ۳).

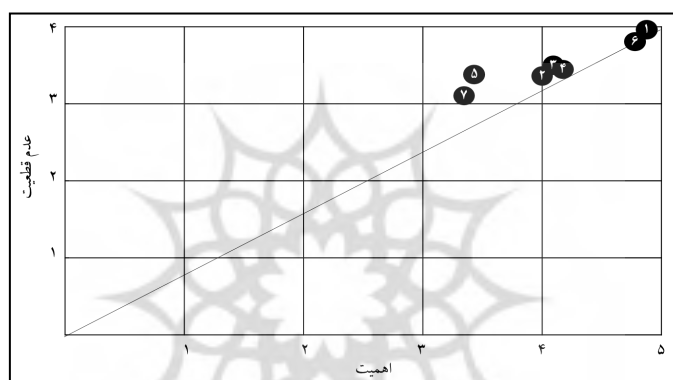
جدول ۳. پیشران‌های منتخب با بیشترین میزان اهمیت و عدم قطعیت

عوامل کلیدی	ب.ب.ب.	ب.ب.ب.	ب.ب.ب.	ب.ب.ب.	ب.ب.ب.	ب.ب.ب.	ب.ب.ب.	ب.ب.ب.
شیوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری	فراوانی	۹	۶	۳	۰	۲	۲۰	۴
	درصد	۴۵	۳۰	۱۵	۰	۰	۱۰۰	۴/۸
مهاجرت اتباع	فراوانی	۹	۵	۳	۰	۰	۱۷	۳/۴
	درصد	۵۲/۹	۲۹/۴	۱۷/۶	۰	۰	۱۰۰	۴/۰۸
جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری	فراوانی	۱۳	۳	۳	۰	۰	۱۹	۳/۸
	درصد	۶۸/۴	۱۵/۷	۱۵/۷	۰	۰	۱۰۰	۴/۵
تعامل و مشارکت‌پذیری ذی‌نفعان (انسجام و همیاری اجتماعی)	فراوانی	۱۰	۶	۱	۰	۰	۱۷	۳/۴
	درصد	۵۸/۸	۳۵/۲	۵/۸۸	۰	۰	۱۰۰	۴/۰۸
راندمان دستگاه‌های نظارتی	فراوانی	۱۰	۴	۲	۰	۰	۱۵	۳/۲
	درصد	۶۲/۵	۱۶/۶	۸/۳	۰	۰	۱۰۰	۳/۸
امنیت اجتماعی	فراوانی	۱۴	۶	۰	۰	۰	۲۰	۴
	درصد	۷۰	۳۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۴/۸
توسعه بافت ناکارآمد منطقه ۶	فراوانی	۱۱	۳	۱	۰	۰	۱۵	۳
	درصد	۷۳/۳	۲۰	۶/۶	۰	۰	۱۰۰	۳/۶

(مأخذ: نگارنده، ۱۴۰۲)



شکل ۴. پیشران‌های منتخب با بیشترین میزان اهمیت و عدم قطعیت



شکل ۵. نمایش پراکندگی نقاط عدم قطعیت‌های بحرانی در ماتریس بحرانی

گام چهارم: ایجاد منطق سناریو

پس از شناسایی عوامل کلیدی نهایی مؤثر بر بازآفرینی پایدار شهری، سناریوهای آینده مؤثر بر آینده بافت ناکارآمد منطقه ۶ طراحی می‌شوند. بعد از مشخص شدن مهم‌ترین عوامل، وضعیت‌های مختلفی برای هر یک از این عوامل انتخاب شدند؛ و این وضعیت‌ها برای هر یک از عوامل متفاوت از سایر عوامل است و هر کدام از عوامل طیفی از وضعیت‌های مختلف در مورد بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد منطقه ۶ را دربردارد. تعداد وضعیت‌ها متناسب با شرایط هر یک از عوامل در طیفی از وضعیت مطلوب تا بحرانی در سه وضعیت طراحی شده است. ۲۱ وضعیت احتمالی جهت آینده بافت‌های ناکارآمد منطقه ۶ در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۴: پیشران‌های اثرگذار، وضعیت و فرض‌های احتمالی مؤثر بر آینده بافت‌های ناکارآمد منطقه ۶

نام اختصاری	عوامل کلیدی	وضعیت	نوع فرض	وضعیت‌های احتمالی
A	شیوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری	A ₁	مطلوب	برنامه‌ریزی از پایین به بالا
		A ₂	ایستا	حفظ شرایط موجود
		A ₃	بحرانی	تشدید برنامه‌ریزی از بالا به پایین
B	مهاجرت اتباع	B ₁	مطلوب	تعادل مهاجرت‌ها
		B ₂	ایستا	کنترل مهاجرت‌ها
		B ₃	بحرانی	افزایش مهاجرت‌ها
C	بسترسازی جهت سرمایه‌گذاری	C ₁	مطلوب	رونق سرمایه‌گذاری
		C ₂	ایستا	فقدان سیاست‌های جذب سرمایه‌گذار
		C ₃	بحرانی	رکود سرمایه‌گذاری
D	مشارکت کنشگران در تصمیمات شهری (انسجام و همیاری اجتماعی)	D ₁	مطلوب	افزایش مشارکت و همکاری ذی‌نفعان
		D ₂	ایستا	بی‌تفاوتی ذی‌نفعان در مشارکت و تصمیمات شهری
		D ₃	بحرانی	عدم مشارکت ذی‌نفعان در تصمیمات شهری
E	راندمان دستگاه‌های نظارتی	E ₁	مطلوب	نظارت گسترده و مکفی بر بافت
		E ₂	ایستا	نظارت کم و ضعیف
		E ₃	بحرانی	عدم نظارت مکفی
F	امنیت اجتماعی	F ₁	مطلوب	بهبود امنیت اجتماعی
		F ₂	ایستا	حفظ شرایط موجود
		F ₃	بحرانی	افزایش ناامنی و بزه اجتماعی
G	توسعه بافت ناکارآمد منطقه ۶	G ₁	مطلوب	رشد متعارف و قانونی منطقه
		G ₂	ایستا	رشد تدریجی حاشیه‌نشینی
		G ₃	بحرانی	رشد بی‌رویه و ارگانیک بافت منطقه

بنابراین در این گام به جهت شکل‌گیری منطق سناریوها نیاز به دو یا سه عدم قطعیت کلیدی می‌باشد. لذا لازم است عوامل کلیدی و روندهای پیشران براساس دومعیار طبقه‌بندی شوند. اول درجه اهمیت برای موفقیت موضوع یا تصمیم اصلی که در گام اول شناسایی شده است و دوم درجه عدم قطعیت احاطه‌کننده آن عوامل و روندها. پس باید عوامل شناسایی شده محدودتر شوند. برای این مهم با توزیع پرسشنامه دودویی از نظرات خبرگان عضو پنل دلفی بهره گرفته شد. براساس میانگین‌های مستخرج عدم قطعیت کلیدی مشخص شدند که به دو صورت دو سر مخالف از یک طیف مطرح می‌شوند.



شکل ۶. نمایش دو سرمضاد عدم قطعیت‌های کلیدی

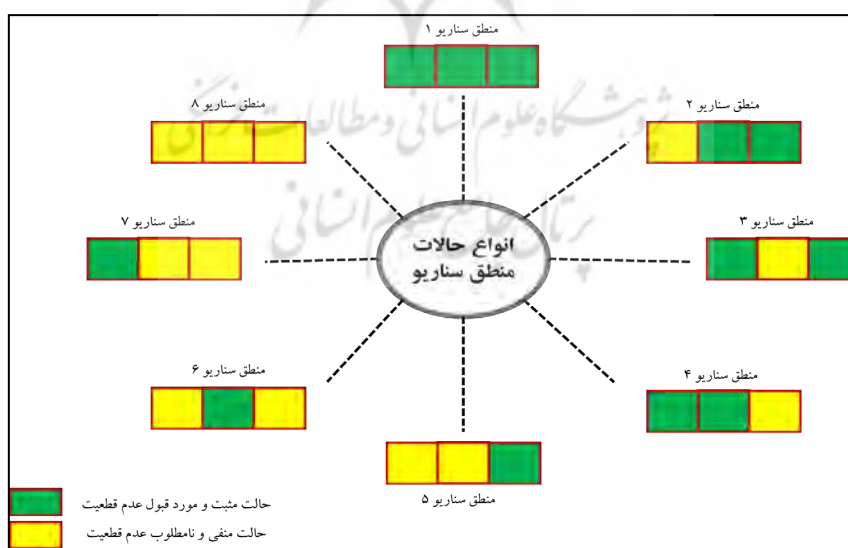
پس از تعیین عوامل کلیدی و مشخص شدن وضعیت‌های آن (آینده‌های محتمل) در جدول فوق، این عوامل به عنوان ورودی نرم‌افزار سناریوویزارد در نظر گرفته شده است. در این بخش به جهت ورود اطلاعات در نرم‌افزار می‌بایست ماتریس تأثیر متقابل (تعیین ارتباط بین پیشران‌ها) با کمک نظرخواهی از اعضای پانل دلفی تشکیل و سپس داده‌های حاصل در نرم‌افزار وارد گردد تا تدوین سناریوها دقیق‌تر و جامع‌نگرتر باشد. بنابراین ماتریس اثرات متقابل ذیل در اختیار اعضای پانل قرار گرفت. در این پرسشنامه‌ها، وضعیت‌ها می‌توانند تأثیرگذاری رواج دهنده (تقویت‌کننده) یا تأثیرگذاری محدوده‌کننده را نیز نشان دهد و اعداد پرسشنامه از ۳ تا -۳ متغیر است (عددیک = تقویت‌کننده قوی، عدد ۲ = تقویت‌کننده نسبی، عدد ۳ = تقویت‌کننده ضعیف، عدد صفر = بی‌اثر، عدد ۱ = محدودیت ساز قوی، عدد ۲ = محدودیت ساز نسبی، عدد ۳ = محدودیت ساز ضعیف). سؤال محوری این پرسشنامه این است که اگر وضعیت A1 از عامل کلیدی A در آینده بازآفرینی بافت منطقه ۶ اتفاق بیفتد، چه تأثیری بر وقوع یا نبود وقوع وضعیت B2 از عامل کلیدی B خواهد داشت و به همین ترتیب تا آخرین وضعیت احتمالی در آخرین عامل کلیدی ادامه می‌یابد. بنابراین پس از شکل‌گیری منطق سناریوها براساس عدم قطعیت‌های کلیدی، چهار سناریو پیش‌روی آینده بازآفرینی بافت ناکارآمد منطقه ۶ وجود دارد. در جدول ذیل حالات مختلف سناریو با توجه به چگونگی وضعیت هر یک از عدم قطعیت‌ها (طیف مثبت یا طیف منفی) نشان داده شده است.

جدول ۶. حالات مختلف منطق سناریوها براساس نتایج حاصل از Scenario Wizard

شماره سناریو	عدم قطعیت دو	عدم قطعیت یک	منطق سناریو
۱	☒	☒	در فرایند بازآفرینی منطقه ۶، سیستم مدیریت و برنامه‌ریزی شهر به صورت پایین به بالا و مشارکت و همکاری حداکثری ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در فرایندهای تصمیم‌گیری مشهود است؛ رشد منطقه، قانونی و متعارف و براساس ضوابط شهرسازی است؛ بعلاوه به دلیل حضور ساکنین اصیل و بومی در محلات سطح منطقه، امنیت اجتماعی در بافت برقرار می‌باشد.
۲	☒	☒	منطقه در فرایند بازآفرینی از مدیریت و برنامه‌ریزی شهری پایین به بالا (برنامه‌ریزی با مردم) و مشارکت و همکاری کنشگران و نیز حضور ساکنین بااصالت و قدیمی بهره می‌برد. اما

شماره سناریو	عدم قطعیت دو	عدم قطعیت یک	منطق سناریو
			رشد بی‌رویه و ارگانیک منطقه و ناامنی و بزهکاری اجتماعی بافت از مهم‌ترین مسائل موجود آن می‌باشد.
3	✓	✗	منطقه به واسطه رشد قانونی و منطبق بر ضوابط و مقررات شهرسازی از امنیت اجتماعی و کیفیت محیط (دسترسی مناسب، نفوذپذیری و ...) بهره می‌برد. اما به دلیل مدیریت سنتی با رویکرد بالا به پایین از مشارکت و بهره‌مندی ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در فرایند بازآفرینی و تصمیمات شهری و نیز ظرفیت حضور ساکنین اصیل محروم است.
4	✗	✗	رشد بافت منطقه بی‌رویه و بی‌قواره بوده به نحوی که معضل ناامنی و بزهکاری اجتماعی (به دلیل نفوذناپذیری، بافت پیچ‌درپیچ و ارگانیک) افزایش داشته؛ همچنین به دنبال آن به دلیل مدیریت سنتی و برنامه‌ریزی از دیدگاه بالا به پایین، ذی‌نفعان و ذی‌نفعان در فرایندهای بازآفرینی مشارکت و همکاری نداشته‌اند. به دنبال این مسائل موجود، ساکنان قدیمی به علت شرایط نامناسب کالبدی و ... از بافت مهاجرت کرده‌اند.

با توجه با جدول فوق و نتایج ماحصل ملاحظه می‌شود، براساس تنوع فرض عدم قطعیت‌های کلیدی، می‌توان تنوعی از سناریوها را ارائه نمود و آن‌ها در قالب طیفی از وضعیت‌های مطلوب، ایستا و بحرانی طبقه‌بندی کرد. در نمودار شماره ۵، این طیف متنوع از وضعیت منطق سناریوها در قالب وضعیت‌های مختلف عدم قطعیت‌ها، به‌وضوح قابل مشاهده است.



شکل ۷: طیف منطق سناریوها

گام پنجم: تدوین سناریو

در این بخش پس از بررسی عوامل پیشران و نتایج حاصل شده از نرم افزار سناریو ویزارد (تبیین سناریوهای منتخب و سازگار براساس جدول وضعیت های احتمالی/آینده های محتمل) دو گروه بندی به عنوان قالب پیشران ها و نگهدارنده پیشران های مختلف با کمک اعضای پنل دلفی تعیین شدند. این چهار نگهدارنده اصلی پیشران های مختلف عبارت اند از:

- برنامه ریزی از پایین به بالا - مشارکت ذینفعان در تصمیمات شهری - تثبیت سکونت ساکنان اصیل و بومی
- برنامه ریزی از بالا به پایین - عدم مشارکت ذینفعان در تصمیمات شهری - مهاجرت ساکنان اصیل
- رشد قانونی منطقه - بهبود امنیت اجتماعی
- رشد بی رویه و ارگانیک منطقه - افزایش ناامنی و بزه اجتماعی

لازم به ذکر است این دو نگهدارنده اصلی به گونه ای تعیین شدند که تمامی پیشران های بحرانی سناریو را در خود جای می دهند. صاحب نظران این چهار بعد اصلی را به عنوان ابعادی عنوان نمودند که دربرگیرنده تمامی پیشران های سناریو مستخرج از مراحل پیشین می باشد. لازم به ذکر است که در این مرحله سناریوها از طریق نظر سنجی از متخصصان و خبرگان عضو پنل دلفی نام گذاری شده است. این دو بعد در قالب نمودار ذیل نشان داده شده است.



شکل ۸. شکل گیری محورهای سناریو

پس از نام گذاری سناریوها و تشکیل محورهای سناریو، براساس رتبه و امتیازی که هر کدام از عدم قطعیت های کلیدی داشته و براساس چهار حالت منطق سناریو، آن ها در قالب جدول ذیل طبقه بندی شده است.

جدول ۷. اولویت‌بندی سناریوها

عدم قطعیت	میانگین امتیاز (مصحح)	رتبه	امتیاز	سناریوی ۱	سناریوی ۲	سناریوی ۳	سناریوی ۴
۱	۴/۵	۱	۳	✓	✓	-	✗
۲	۴/۳	۲	۲	✓	✗	✓	✗
وضعیت سناریو				مطلوب	نسبتاً نامطلوب	نامطلوب	بحرانی



شکل ۹. نمایش میزان مطلوبیت سناریوها

با توجه به نمودار فوق، سناریوی مطلوب و بحرانی، به ترتیب سناریوی اول و سناریوی چهارم می‌باشد که در جدول ذیل به تفصیل ارائه شده است:

جدول ۸. تفسیر سناریوی مطلوب و بحرانی

سناریوی مطلوب در بند	سناریوی شکوفایی
در سال‌های آتی، رشد منطقه ۶ به سمت بافت قدیمی و فرسوده و به صورت رشدی بی‌نظم و بی‌برنامه خواهد بود تا حدی که این موضوع باعث مهاجرت ساکنین بومی و اصیل بافت به سمت مناطق برخوردار شهر، توزیع نامتناسب خدمات و عدم پاسخگویی مناسب به نیاز شهروندان شده است. رشد بی‌رویه منطقه و عدم توجه به نیاز ساکنین از جمله عوامل گسترش فرسودگی کالبدی و عملکردی بافت و افزایش نارضایتی شهروندان است. سکونت اقوام گوناگون (اتباع خارجی) و حضور چلوه‌ها (فاقدین اسناد هویتی) در منطقه و عدم تعاملات اجتماعی مناسب بین آن‌ها باعث می‌شود که هویت بومی و فرهنگی منطقه فراموش شود و ناامنی در منطقه را افزایش دهد.	در این سناریو مشارکت شهروندان در اداره امور شهری و برنامه‌ریزی در راستای توسعه مشارکتی مدیریت شهری، از اولویت‌های برنامه‌ریزی و مدیریت شهری منطقه ۶ است که بر رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی (سطح پایین به بالا) و ترویج الگوی نهاده‌ساز حاکمیت محلی تأکید دارد. این سطح برنامه‌ریزی زمینه مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفعان را در تصمیمات شهری و فرایند بازآفرینی و نیز ایجاد سرمایه اجتماعی فراهم کرده به نحوی که مشارکت محلی (مشارکت سنتی یا مشارکت مدنی) در فرایند بازآفرینی بافت ناکارآمد منطقه و توسعه مشارکت خلاق برای جلوگیری از رشد متراکم و ناهنجار منطقه و کمک به رشد متوازن و قانونی است. که علاوه بر حفظ نظام سیاسی، اقتصادی و ... امنیت اجتماعی منطقه را تأمین می‌کند. از سوی دیگر مهاجرت اتباع داخلی و خارجی، اتباع فاقد اسناد هویتی و

سناریوی شکوفایی	سناریوی منطقه در بند
قومیت‌گرایی به دلیل حضور ساکنین قدیمی و بومی کاهش یافته است. در این راستا، مدیران شهری، برنامه‌هایی مدون را برای ارتقاء آگاهی شهروندان و دستگاه‌های اجرایی در این مسیر تدارک دیده‌اند. به‌نحوی که ورود اتباع به بافت کنترل و متعادل می‌شود، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی جهت رونق اقتصادی بافت با مشارکت سرمایه‌گذاران بومی صورت می‌پذیرد، شهروندان با روحیه مطالبه‌گری بالای خود در فرایندهای تصمیم‌گیری شرکت می‌کنند؛ در نهایت با بازآفرینی بافت ناکارآمد محدوده با تأکید بر پیشران‌های کلیدی مستخرج، منطقه ۶ به منطقه‌ای زیست پذیر (رشد قانونی و متعارف کالبد، کیفیت مناسب محیط و...)، حضور ساکنین اصیل و بومی، عاری از بزه-های اجتماعی و مشارکت حداکثری ساکنین تبدیل می‌شود.	نگاه از بالا به پایین در نظام مدیریت شهری منطقه و عملکرد ضعیف دستگاه‌های نظارتی در خصوص پاسخگویی مناسب به نیاز ساکنین و حل چالش‌های پیش‌روی منطقه در حوزه و ابعاد مختلف، باعث عدم تمایل شهروندان، مطالبه‌گران و گروه‌های مردم‌نهاد مستقر در منطقه به مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی شده است. بنابراین در این سناریو منطقه ۶ با انبوهی از مسائل و چالش‌ها در حوزه بازآفرینی چون موازی کاری دستگاه‌ها، رشد بی‌رویه منطقه، ساخت‌وسازهای غیرمجاز، ناهنجاری‌های اجتماعی، چلوه‌ها (فاقدین اسناد هویتی) و ... روبه‌رو خواهد بود که فرایند بازآفرینی در چارچوب ابعاد تعیین‌شده صورت نخواهد پذیرفت.

۴. بحث

بافت‌های ناکارآمد شهری و مسائل و مشکلات مبتلا به آن‌ها، طی چند دهه اخیر، به‌عنوان یکی از ابر چالش‌های نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهرهای کشور مطرح شده است. که هدف اصلی مسئولان و مدیران شهری بهبود وضعیت زیستی و بازسازی و نوسازی این بافت‌ها می‌باشد. بنابراین رویکرد بازآفرینی پایدار شهری با توجه به آنکه بر مفاهیمی همچون مشارکت مردم و حکومت محلی تأکید دارد می‌تواند شکل و الگویی نو از معاصر سازی و بازسازی را در این منطقه ارائه دهد. نتایج ماحصل وزن‌دهی عدم قطعیت و اهمیت هر یک از عوامل کلیدی براساس پنل دلفی حاکی از آن است که پیشران‌های منتخب مؤثر بر فرایند بازآفرینی منطقه ۶ به ترتیب ۱- شیوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با امتیاز ۴.۸، ۲- امنیت اجتماعی با امتیاز ۴.۸، ۳- جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری با امتیاز ۴.۵، ۴- مهاجرت اتباع و تعامل و مشارکت‌پذیری ذی‌نفعان (انسجام و همیاری اجتماعی) با امتیاز ۴.۰۸، ۵- راندمان دستگاه‌های نظارتی با امتیاز ۳.۸ و ۶- توسعه بافت ناکارآمد منطقه ۶ با امتیاز ۳.۶ دارای بیشترین میزان اهمیت و عدم قطعیت می‌باشد.

همچنین نتایج حاصل‌شده از نرم‌افزار سناریوویزارد دو عدم قطعیت اصلی الف) برنامه‌ریزی از پایین به بالا - مشارکت ذی‌نفعان در تصمیمات شهری - تثبیت سکونت ساکنان اصیل و بومی و ب) رشد قانونی منطقه - بهبود امنیت اجتماعی به‌عنوان قالب پیشران‌ها و نگهدارنده پیشران‌های مختلف انتخاب شدند؛ که براساس آن چهار سناریو شکوفایی، در آستانه شکوفایی، وارستگی و منطقه در بند تدوین گردید. از این‌رو، یافته‌های پژوهش را می‌توان با تحقیقات دیگران از جمله مطالعات ایمان‌پور و همکاران (۱۴۰۱)، رئیس قنواتی و همکاران (۱۴۰۱)،

ایمان‌پور و همکاران (۱۴۰۰)، اردستانی و ابراهیمی (۱۴۰۱)، فنی و همکاران (۱۳۹۹) مقایسه کرد که نتایج آن‌ها از یک سو مقوله بافت‌های ناکارآمد و حاشیه‌نشینی و رویکردهای مختلف را برای ساماندهی این مناطق مطرح کرده و از سوی دیگر رهیافت بازآفرینی پایدار شهری را به عنوان رویکردی جدید در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و ... به عنوان راهبرد اساسی در تجدید حیات بافت‌های فرسوده و حاشیه‌ای مطرح نموده‌اند. علی‌رغم آنکه پژوهشگران مختلف مقوله بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری را در ابعاد مختلف مورد واکاوی قرار داده‌اند، لیکن به دلیل پراکندگی و مقطعی بودن اقدامات در بهبود وضعیت زیستی این نوع بافت‌ها و همچنین فقدان مدل و الگوی مورد اجماع، ذی‌نفعان (ارگان‌ها، سازمان‌ها و ...) در به‌کارگیری مدل مناسب دچار سردرگمی می‌شوند. بنابراین اتخاذ رهیافت بازآفرینی با تکیه بر روش سناریونگاری و آینده‌پژوهی، هم در شناخت نقش و جایگاه حال حاضر کلانشهر مشهد (با تأکید بر منطقه شش شهرداری مشهد مقدس) و هم در آینده‌نگری آن دارای تفاوت‌های روشی و نگرشی است که این مهم در مطالعات دیگران و به‌ویژه بافت فرسوده منطقه ۶ مشهد انجام نگرفته است. مجموع این عوامل جنبه نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین سناریوی مطلوب بازآفرینی بافت فرسوده در منطقه ۶ شهر مشهد از طریق سناریونگاری انجام شده است. با مطالعه اسناد و کتب مختلف، نظریات نظریه‌پردازان و تجارب جهانی در حوزه بافت‌های ناکارآمد، عوامل و عناصر مختلفی که در تحقق رویکرد بازآفرینی مؤثر هستند، شناسایی شد. لذا اقدام به شناسایی پیشران‌های کلیدی و عدم قطعیت با استفاده پنل دلفی متشکل از متخصصان و خبرگان آگاه به حوزه گردید. براساس نتایج حاصله تعداد ۲۳ عامل به عنوان پایه اصلی سناریونویسی بافت ناکارآمد منطقه پژوهش مورداستفاده قرار گرفت. این عوامل عبارت‌اند از موانع کاری نهادهای حاکمیتی، مهاجرت اتباع، نهادهای اجتماعی، راندمان دستگاه‌های نظارتی، فعالیت‌های اقتصادی، انسجام اجتماعی، همیاری اجتماعی، امنیت اجتماعی، مؤلفه‌های نهادی مشارکت شهروندی، ایجاد و تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتباط با نوسازی و بازآفرینی شهری، رفع موانع حقوقی مرتبط با سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت شهروندان در طرح‌های بازآفرینی شهری، بحران مالی و اعتباری، تعامل و مشارکت‌پذیری ذی‌نفعان، شیوه مدیریت و برنامه‌ریزی، قوانین و سیاست‌گذاری‌های مالیاتی و مشوق‌ها، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی اجتماعی، توانمندسازی سرمایه‌های انسانی و فکری، توانمندسازی بخش خصوصی، زیرساخت‌های الکترونیکی نوین، ظرفیت‌های محیطی و زیربنایی در منطقه، توسعه بافت ناکارآمد منطقه.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پنج عامل اصلی شیوه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مهاجرت اتباع، مشارکت کنشگران در تصمیمات شهری (انسجام و همیاری اجتماعی)، امنیت اجتماعی و توسعه بافت ناکارآمد دارای نقش کلیدی و اساسی در بازآفرینی بافت منطقه هستند. با بهره‌گیری از شیوه سناریونویسی در قالب عدم

قطعیتهایی با طیف متضاد توصیف و ارائه شد و براساس دو حالت متضادی که هرکدام از دو عدم قطعیت بحرانی داشتند، چهار سناریو برای آینده بازآفرینی بافت ناکارآمد منطقه ۶ تدوین شد. که براساس آن سناریو مطلوب، شکوفایی منطقه و سناریوی بحرانی آن، منطقه در بند است. هر یک از سناریوهای تدوین شده بیان می‌دارد که در صورت ایجاد و وقوع آنچه نوع تغییراتی در پیشران‌های کلیدی، چه آینده‌ای در انتظار فرایند بازآفرینی پایدار بافت ناکارآمد منطقه ۶ است. در نهایت دستیابی به سناریوی بهینه و مطلوب زمانی محقق می‌شود که زمینه و بسترهای لازم برای جلب مشارکت ذی‌نفعان و ذی‌نفوذان در فرایند بازآفرینی، با نهادسازی و توسعه شبکه محلی، اعضای شورای اجتماعی محلات، گروه‌های جهادی و ... و تقویت هر چه بیشتر آن‌ها فراهم شود. به‌منظور پیشگیری و جلوگیری از توسعه محدوده قانونی منطقه ۶، از رویکرد توسعه میان‌افزا در جهت ساماندهی بافت مورد استفاده قرار گیرد. بدین صورت که از اراضی بایر و رها شده، ابنیه متروکه و تخریبی و ... جهت بارگذاری خدمات مورد نیاز استفاده شود. به‌علاوه در بعد اجتماعی، به دلیل سکونت و مهاجرت‌های اتباع خارجی (معروف به چلوها که فاقد اسناد هویتی هستند) در این منطقه، می‌بایست به بازیابی فرهنگ و هویت محلات قدیمی و منطقه مبادرت ورزید. بنابراین در نهایت امر از طریق سناریونویسی، تمام حالات از آینده‌های ممکن ترسیم شده و جهت دستیابی به آینده مطلوب، برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد.

کتاب‌نامه

۱. ایمان پور، م.ر.، شمس‌الدینی، ع.، و سرور، ر. (۱۴۰۰). تحلیل سناریوهای اسکان غیررسمی در شهرهای شمال شرق ایران (مورد مطالعه: شهر بجنورد). نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۳ (۲)، ۷۷-۹۲.
۲. ایمان پور، م.ر.، شمس‌الدینی، ع.، و سرور، ر. (۱۴۰۱). شناسایی و تحلیل پیشران‌های کلیدی مؤثر بر اسکان غیررسمی در شهر بجنورد. نشریه شهر پایدار، ۵ (۲)، ۱۶۵-۱۸۲.
۳. اردستانی، ز.، و ابراهیمی، ا. (۱۴۰۱). بازآفرینی شهری به‌منظور ارتقای ۹ بافت‌های فرسوده شهری با بهره‌گیری از روش تلفیقی و یکپارچه ساختار سلسله مراتبی فازی (Fuzzy AHP) (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران). فصلنامه علمی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳ (۴۹)، ۱۷۸-۱۶۶.
۴. امینی، م.، صارمی، ح.م.، و قالیباف، م.ب. (۱۳۹۵). جایگاه حکمروایی شهری در فرایند بازآفرینی بافت فرسوده شهری مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران. تحقیقات جغرافیایی، ۳۳ (۳)، ۲۰۲-۲۱۷.
۵. امیری، خ.، مسعود، م.، مرادی چادگانی، د.، صافی اصفهانی، ف.، و صادقی، ن. (۱۴۰۰). تدوین الگوی مشارکت‌پذیری الکترونیکی شهروندان در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهر اصفهان. نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۰ (۳۹)، ۷۳-۸۵.

۶. امیری، خ.، مسعود، م.، مرادی چادگانی، د.، صادقی، ن.، و صافی اصفهانی، ف. (۱۴۰۱)، معرفی الگوی کاربردی مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی در فضای سایبرنتیک به منظور ارتقاء سطح مشارکت ساکنان در بازآفرینی نواحی دچار افت شهری اصفهان، نشریه مطالعات شهری، ۱۱ (۴۲)، ۶۱-۷۴.
۷. ایزدفر، ا.، ساسانپور، ف.، تولائی، س.، و سلیمانی، م. (۱۳۹۹)، بازآفرینی پایدار شهری بر پایه سناریونگاری (مورد شناسی: منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان)، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، ۱۰ (۳۴)، ۶۸-۴۵.
۸. ایزدفر، ن.، رضایی، م.، و محمدی، ح. (۱۳۹۹)، ارزیابی بافت‌های ناکارآمد شهری براساس رویکرد بازآفرینی پایدار (مطالعه موردی: بافت ناکارآمد شهر یزد)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۱ (۲)، ۳۴۵-۳۲۷.
۹. ابراهیم نژاد، م.، شیخ‌الاسلامی، ع.، و ملک حسینی، ع. (۱۴۰۰)، الگوی ارزیابی پروژه‌های محرک توسعه در بازآفرینی بافت فرسوده شهری. نشریه تحقیقات جغرافیایی، ۳۶ (۳)، ۲۵۳-۲۶۱.
۱۰. پوراحمد، ا. (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، سیر تحول مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱ (۱)، ۷۳-۹۲.
۱۱. پاکرو، ن.، و ستارزاده، د. (۱۴۰۱). بررسی مؤلفه‌های مؤثر در چالش‌های نهادی مشارکت شهروندی در بازآفرینی پایدار شهری. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۲ (۶۵)، ۷۹-۱۰۱.
۱۲. جعفری جبلی، ح.، موسی کاظمی، م.، حکمت‌نیا، ح.، و مختاری، ر. (۱۴۰۱). تبیین آثار بازآفرینی فضاهای شهری بر عملکرد اقتصادی و اجتماعی بافت تاریخی اصفهان. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۳۳ (۱)، ۲۱-۴۴.
۱۳. حسینی، ع.، کهکی، ف.، و احدی، ز. (۱۴۰۰). تبیین اهمیت کیفیت مکان در بازآفرینی شهری با رویکرد آینده‌پژوهی، مورد مطالعه منطقه ده شهر تهران. نشریه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۹ (۴)، ۹۵۷-۹۸۰.
۱۴. حجازی نیا، س.، رحیمی، م.، و شمس‌الدینی، ع. (۱۴۰۱). تبیین اثرات حاشیه‌نشینی بر میزان وقوع جرائم شهری در شهر یاسوج (مطالعه موردی سکونتگاه‌های پیرامونی مادوان سفلی، بله‌راز و مهربان). فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۲ (۴)، ۳۸۲-۳۶۳.
۱۵. رسول نازی، س.، نقیبی، ف.، و خسرونیا، م. (۱۴۰۱). بررسی نقش ظرفیت‌های مردمی و محلی در بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری (نمونه موردی بافت فرسوده ارومیه). نشریه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۵۴ (۱)، ۱۳۱-۱۵۴.
۱۶. رئیس قنواتی، ک.، شمس‌الدینی، ع.، و حیدری، ع.ا. (۱۴۰۱). تعیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر توسعه پایدار شهر بندری ماهشهر با رویکرد آینده‌پژوهی. فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۶ (۱)، ۱۷۳-۱۹۹.
۱۷. رهنما، م.، ر.، شکوهی، م.ا.، و لطف‌اللهی، س. (۱۳۹۸). تحلیل سناریوهای احیاء منطقه شهری قلعه آبکوه در کلانشهر مشهد. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۰ (۳۸)، ۶۳-۷۶.
۱۸. رهنما، م.، ر.، و معروفی، ا. (۱۳۹۴). سناریونگاری در مطالعات شهری و منطقه‌ای (مفاهیم، روش‌ها و تجارب). مشهد: انتشارات مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی.

۱۹. رضائی، م.، بلاغی، ر.، شمس‌الدینی، ع.، شاعر، ف.، و ماندنی، س. (۱۳۹۵). ارزیابی و تحلیل ابعاد اجتماعی حاشیه‌نشینی در کلانشهرها (مطالعه موردی: محلات حاشیه‌نشین شهر شیراز). فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۱۳ (۵۲)، ۵۷-۷۵.
۲۰. رضایی، س.، کریمیان بستانی، م.، و میری، غ. (۱۴۰۱). شناسایی پیشران‌های مؤثر در بازآفرینی شهری سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد آینده‌پژوهی (نمونه موردی: شهرزاهدان). مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۹ (۴)، ۱۲۷-۱۴۹.
۲۱. زالی، ن.، و بهشتی، م.ب. (۱۳۹۰). شناسایی عوامل کلیدی توسعه منطقه‌ای با رویکرد برنامه‌ریزی بر پایه سناریو: مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی. نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۵ (۱)، ۴۱-۶۳.
۲۲. سجادی، ژ.، پرتانیان، ن.، و یزدانی راد، پ. (۱۴۰۰). رویکرد آینده‌نگاری در بازآفرینی محلات فرسوده شهری با تأکید بر مسکن پایدار. فصلنامه چشم‌انداز شهرهای آینده، ۲ (۳)، ۲۷-۴۹.
۲۳. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). سرشماری عمومی و نفوس مسکن. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۴. صفایی پور، م.، و زارعی، ج. (۱۳۹۶). برنامه‌ریزی محله‌محور و بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر سرمایه اجتماعی (نمونه موردی: محله جولان شهر همدان). مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۷ (۲۳)، ۱۳۵-۱۵۰.
۲۵. فنی، ز.، توکلی نیا، ج.، و بیرانوندزاده، م. (۱۳۹۹). کاربست تحلیلی - ساختاری بازآفرینی پایدار شهری. نشریه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۵۲ (۱)، ۱۸۱-۱۹۷.
۲۶. فصیحی، ح.ا.، موحد، ع.، پریزادی، ط.، و عباسی، ب. (۱۴۰۱). نقش بازآفرینی شهری در مطلوبیت فضاهای عمومی. نشریه مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۹ (۳۱)، ۵۱-۶۷.
۲۷. فدایی جزئی، ف.، مختاری ملک آبادی، ر.، و ابراهیمی بوزانی، م. (۱۴۰۰). بافت‌های فرسوده فرصتی برای توسعه درون‌زای شهری در راستای تأمین مسکن محله سرچشمه منطقه سه شهر اصفهان. نشریه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۲ (۳)، ۴۸-۶۵.
۲۸. معروف نژاد، ع. (۱۴۰۰). تحلیل و رتبه‌بندی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری از منظر شاخص‌های اجتماعی با استفاده از تکنیک ماباک. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۵ (۷۸)، ۳۲۳-۳۴۳.
۲۹. مباشری، م. (۱۴۰۱). تحلیل اثرات بازآفرینی پایدار بافت فرسوده بر کاهش جرم و افزایش امنیت (مورد مطالعه: شهرزابل). فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۸ (۲)، ۱۹۱-۲۰۱.
۳۰. مرادی پور، ح.ا.، و نوروزیان، م. (۱۳۸۴). آینده‌پژوهی، مفاهیم و روش‌ها. فصلنامه رهیافت، ۳۶، ۴۵-۵۰.
31. Boud, L., & Pustma, R. (2019). *Learning from the Future: Competitive Foresight Scenarios*. New York: Wiley Publications.
32. Colantonio, E., & Dixon, R. (2011). *Urban regeneration & social sustainability: Best practice from European cities*. Hoboken: Blackwell Publishing.
33. Godet, M. (2000). The art of scenarios and strategic planning: Tools and pitfalls. *Technological Forecasting and Social Change*, 65 (1), 3-22.
34. Cairns, G., Wright, G., Fairbrother, P., & Philips, R. (2017). Branching scenarios' seeking articulated action for regional regeneration – A case study of limited success. *Technological Forecasting and Social Change*, 124, 189-202.

35. Hongjie, X., Ming, Ch. (2017). Toward a compact settlement: A sustainable development way of settlements for Chinese cities. *Futures*, 63-75.
36. Korkmaz, C., & Balaban, O. (2020). Sustainability of urban regeneration in Turkey: Assessing the performance of the North Ankara Urban Regeneration Project. *Habitat International*, 95, 102081.
37. Ratcliffe, J., & Krawczyk, E. (2011). Imagineering city futures: The use of prospective through scenarios in urban planning. *Futures*, 43, 642-653.
38. Riccardo, p., & Vecchiato. W. (2012). *Urban regeneration: A Handbook*. London: Sage, No.2.
39. Tirziu. A. (2020). Urbanization and cities of the future. *International Journal for Innovation Education and Research*, 8(3), 235-245.
40. Zegras, Ch., & Rayle, L. (2020). Testing the rhetoric: an approach to assess scenario planning's role as a catalyst for urban policy integration. *Futures*, 44 (4), 303-318.

